

مقدمه

عدالت به عنوان یکی از عام‌ترین و قطعی‌ترین ارزش اخلاق اجتماعی همواره در معرض قرائت‌ها و برداشت‌های متعدد بوده است. از آنجایی که عدل به عنوان یک ارزش عقلی فطری که در همه انسان‌ها مشترک است عدالت نیز در زمره شعارهای اصلی حکومت‌ها به شمار می‌رود. در اسلام نیز مفهوم عدل و عدالت یکی از بالاترین مفاهیم ارزشی به شمار می‌رود. اما آنچه که ارزش والای عدالت را به خطر انداخته تحریف‌ها و تعریف‌های غلط از این مفهوم عمیق است.

در نظام‌های سیاسی دنیا شاید بتوان کمونیست را به عنوان یکی از نظام‌های دانست که بیشترین تلاش را برای ترسیم عدالت در جامعه کرد. به طوری حتی امروزه با وجود گذشت سال‌ها از فروپاشی نظام کمونیستی شوروی می‌توان حرف‌ها و شعارهای مارکس را از زبان جویندگان عدالت شنید.

با روی کار آمدن نظام اسلامی در ایران توجه به این مفهوم به عنوان یکی از اساسی‌ترین شعارهای اسلام، اهمیت بالاتری پیدا کرد اما تعریفی که اسلام از عدالت دارد هنوز از غربت ویژگی‌های برخوردار است و بعضاً کسانی که با شعار عدالت در میدان مبارزات فکری سیاسی جامعه حضور پیدا کردند از این مفهوم تصور درستی نداشته و تحت تاثیر نگاه‌های مارکسیستی دچار التقاط شده‌اند.

رسیدن به جامعه دینی عادلانه و آرمان‌خواه که توسط امامین انقلاب به عنوان هدف تشکیل نظام اسلامی تعریف شده است نشان دهنده ضرورت فهم درست از عدالت در نظام اندیشه اسلام است. لذا باید در جهت رسیدن به تصور درست از عدالت و عدالت‌خواهی به اندیشمندانی رجوع کرد که فهم دقیق و عمیقی از مفاهیم اسلامی دارند. حضرت آیت‌الله مصباح یزدی که به مناسبت‌های مختلف در بیان رهبری به جایگاه ویژه ایشان در تبیین اندیشه ناب اسلامی معرفی شده‌اند یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی است که می‌تواند ما را در رسیدن به نگاه بدون التقاط و انحراف به مسئله عدالت یاری کند.

نظام عادلانه برون‌داد شناخت عدل

عدالت و عدالت‌خواهی از منظر علامه مصباح یزدی قدس سره

ابوالقاسم جعفری



فردی که می‌خواهد عادلانه رفتار کند اول باید بداند عدل چیست و ثانیاً تصور درستی از حقوق دیگران داشته باشد؛ به همین ترتیب جامعه عادلانه جامعه‌ای است که در آن همه افراد جامعه می‌دانند چه وظیفه‌ای نسبت به دیگران دارند و هر کسی در این زندگی اجتماعی چه حقی دارد.

را بشناسیم و اگر بخواهیم مصادیق حق را بشناسیم، باید بینیم روابط بین انسان‌ها چگونه باید باشد که موجب کمال آنان شود؛ یعنی ملاک عدالت این است که ارتباط افراد و اعضای جامعه با هم به گونه‌ای تنظیم شود که به تکامل ایشان کمک کند.»

اما آیا عقل انسان قادر به تشخیص این ملاک‌ها هست و می‌تواند این روابط را برای رسیدن به کمال به گونه‌ای درست تنظیم کند؟!

از نظر علامه مصباح: «در بعضی موارد، انسان با عقل خود قادر به تشخیص این ملاک‌ها هست و می‌تواند بفهمد کدام یک از اعمال و رفتارهای انسان، به تکامل او کمک بیش‌تری می‌کند و کدام یک از آن‌ها برای تکامل انسان زیان‌بار خواهد بود؛ مثلاً اگر هر انسانی حق داشته باشد هر کسی را که توانست، بکشد روشن است که این، نتیجه‌ای جز نابودی انسان‌ها نخواهد داشت و این، خلاف هدف آفرینش است؛ زیرا اقتضای صفات الهی و هدف از آفرینش او این است که انسان‌های بسیاری بر روی زمین به وجود آیند و به کمالات وجودی خود نایل شوند که این اقتضای رحمت بی‌نهایت و صفات دیگری چون فیاضیت و حکمت او است. پس نباید انسان‌ها به دست دیگران به قتل برسند یا از اكمال خود محروم شوند. البته در مواردی که عقل قادر به درک ملاک‌ها نیست و روابط پیچیده افعال انسان با کمال نهایی او برای ما روشن نیست، حکمت الهی اقتضا دارد که راه دیگری برای شناخت آن وجود داشته باشد و آن راه وحی است.»

جامعه عادلانه

فردی که می‌خواهد عادلانه رفتار کند اول باید بداند عدل چیست و ثانیاً تصور درستی از حقوق دیگران داشته باشد؛ به همین ترتیب جامعه عادلانه جامعه‌ای است که در آن همه افراد جامعه می‌دانند چه وظیفه‌ای نسبت به دیگران دارند و هر کسی در این زندگی اجتماعی چه حقی دارد. این مسئله برای مسلمانان که زندگی دنیا را مقدمه سعادت ابدی می‌دانند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است لذا باید این حقوق و تکالیف را بشناسند

مفهوم‌شناسی عدالت

علامه مصباح یزدی در جلد سوم کتاب اخلاق در قرآن عدل را این‌گونه تعریف می‌کند: «عدل به این معنا است که «حق هر کسی را به او بدهند» و به معنای تساوی مطلق نیست؛ مثلاً اگر شما دو کارگر داشته باشید که یکی از آنان دو ساعت و دیگری هشت ساعت برای شما کار کرده باشد، و به نفر دوم چهار برابر نفر اول مزد بدهید، عدالت را رعایت کرده‌اید؛ زیرا عدل به معنای تساوی مطلق نیست، بلکه بدین معنا است که حق هر کسی، هر چه باشد، داده شود. پس برای درک درست مفهوم عدل، قبلاً باید مفهوم حق روشن شود. واژه «حق» در مورد رابطه میان دو موجود به کار می‌رود که بر اساس آن، یکی از آن دو موجود، استحقاق دریافت یا استفاده از چیزی را پیدا می‌کند و دیگری مکلف است که آن را به او بدهد یا استفاده از آن را برایش محترم شمارد و به آن تجاوز نکند. بنابراین، عدالت به معنای دادن حق، به صاحب حق است و حق، چیزی است که باید به ذی‌حق داده شود.»

اختلاف نظر و یا به تعبیری انحراف از مسیر عدالت در نظام اندیشه اسلام و دیگر اندیشه‌ها از همین تعریف آغاز می‌شود آن‌جا که برخی به غلط عدالت را با تساوی مطلق برابر دانستند و بیشتر در جهت اعمال تساوی در جامعه تلاش کردند تا عدالت؛ هرچند عدالت در موارد با تساوی اتحاد مصادیقی پیدا می‌کند اما عدالت با تساوی یکسان نیست.

ملاک عدالت

علی‌رغم این‌که در خوب بودن عدالت اختلافی نیست و همه این مسئله را بدیهی می‌دانند اما مصادیق عدالت مورد اختلاف است. به عبارت دیگر عدالت با وجود این‌که یک اصل بدیهی و مورد قبول همگان است اما مصادیق آن بدیهی نیست و نیاز به تحلیل‌های دیگری دارد لذا باید ملاک درست و دقیقی برای عدالت مشخص کرد.

متفکر بزرگ مرحوم علامه مصباح یزدی در تبیین ملاک عدالت می‌گوید: «اگر بخواهیم عدل در جامعه برقرار شود، باید مصادیق حق

تا بتوانند زمینه سعادت خود را فراهم کنند.

نظام عادلانه لازمه پیشرفت جامعه

نگاه آیت‌الله مصباح یزدی به مقوله پیشرفت بر مبنای اندیشه اسلامی صرفاً به معنای پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی و نظامی نیست بلکه پیشرفت انسانی و تکامل انسان به سمت قرب الهی مد نظر است؛ لذا این نوع پیشرفت حقیقی که انسان به سمت تکامل انسانیت خود در حرکت باشد بدون برپایی نظام عادلانه امکان‌پذیر نمی‌باشد. نظام عادلانه نیز نیازمند یک ناظم عادل به عنوان حاکم است که مهم‌ترین وظیفه او هدایت جامعه به سمت اجرای عدالت و مقابله با هر گونه ظلم و حرکت خلاف عدالتی است.

عدالت خواهی، ضامن آرامش و همدلی

از منظر فقیه مجاهد حضرت آیت‌الله مصباح یزدی انسان‌ها در جامعه عدالت‌خواه از همدلی و آرامش بیشتری برخوردار هستند زیرا «یک عامل عامی که موجب می‌شود افراد نسبت به هم بدبین باشند و نخواهند که به هم نزدیک شوند و از یکدیگر بترسند این است که افراد جامعه در صدد ضرر زدن به دیگری و پایمال کردن حق دیگری باشند. اگر کسی احساس کند که برادرش دائماً می‌خواهد حقش را غصب کند ته دلش نسبت به او بدبین می‌شود و همیشه مواظب است که برادرش به او ضرر نزند.. اگر در جامعه‌ای عدالت حاکم شود حق هر کسی تأمین می‌شود و کسی به دیگری تجاوز نمی‌کند و این باعث هماهنگی دل‌ها خواهد شد.»

مهم‌ترین مانع عدالت

این مفسر قرآن کریم مهم‌ترین مانع ایجاد عدالت را خودمحوری و نبودن روحیه ایثار و فداکاری دانسته و می‌گوید: «همه ما باید بکوشیم با رشد اخلاقی، روحیه ایثار و فداکاری را در

خود ایجاد کنیم؛ اما متأسفانه تاکنون چنین رشدی را در جامعه به وجود نیاورده‌ایم؛ نه ابزار چنین کاری را در اختیار داشتیم، و نه دغدغه‌اش را داشتیم؛ لذا از عدالت اجتماعی محروم مانده‌ایم و هنوز این تفکر که هر کسی باید به فکر خودش باشد، حاکم است؛ بلکه با روی کار آمدن برخی افراد که بهره‌چندانی از تربیت دینی ندارند و فداکاری‌های رزمندگان را ندیده‌اند، شرایط سخت‌تر هم شده است و این خود مانع بزرگی برای تحقق عدالت اجتماعی است.»

شروط برقراری عدالت

آیت‌الله مصباح ضمن شرح حکمت ۳۱ نهج البلاغه شروط برقراری عدالت را براساس کلام امیرالمومنین علیه السلام بر می‌شمرد:

۱. داشتن فهم عمیق نسبت به عدالت
اولین شرط برقراری عدالت، داشتن فهم درست از مفهوم عدالت است: «برای برقراری نظام عادلانه، در درجه اول باید بدانیم چه نظامی عادلانه‌ای است. لذا نیازمند قوه‌ای هستیم که فهم صحیح و قابل اعتمادی داشته باشد. نظیر آن چه در بحث گذشته هم گفته شد که بعضی‌ها تنها با نگاهی سطحی حوادث روزگار را نظاره می‌کنند و فهم عمیقی ندارند. این افراد در مسایل اجتماعی هم همین نگاه را دارند.. انسان فهم خود را به دو صورت می‌تواند به کار برد؛ یکی به صورت ساده و سطحی که تنها سطح را نگاه می‌کند و هر چه درک می‌کند، همان ظاهر امر است و دیگری به صورت نافذ که از سطح عبور می‌کند و به عمق می‌رود. حضرت می‌فرمایند: برای این که بتوانیم رفتار خود را براساس عدالت تنظیم کنیم تا ایمان‌مان تقویت شود در درجه اول باید فهمی نافذ داشته باشیم. غایض الفهم، اضافه صفت به موصوف و به معنای فهم نافذ است. این فهم، ابزار است و خود، محتوایی ندارد.»

۲. علم عمیق

این متفکر بزرگ اسلام در بیان دومین شرط برقراری عدالت با این توضیح که فهم ابزاری است که محتوای آن علم است، می‌گوید: «حضرت می‌فرمایند: شعبه دوم غور العلم یعنی علم عمیق است که باید با این فهم نافذ استخراج شود. «غور العلم» اضافه صفت به موصوف یا مصدر به مفعول است. اگر فهم نافذ داشته باشیم می‌توانیم به علمی عمیق و قابل اعتماد دست یابیم و مطالبی را خواهیم دانست که به‌سادگی نمی‌توان فهمید؛ مطالبی که فهم آن نیازمند دقت،

من وظیفه خودم را در این نظام عادلانه تشخیص دهم.»

توجه به این چهار مساله در برقراری عدالت در جامعه یک امر بسیار مهم است. این شروط که در کلام مرحوم علامه مصباح بر مبنای فرمایش حضرت علی علیه السلام در حکمت ۳۱ نهج البلاغه مطرح شد بر هم مترتب هستند با این توضیح که عدالت زمانی اجرا می‌شود که فهم دقیقی و علم عمیقی نسبت به آن وجود داشته باشد و در تطبیق قواعد کلی آن بر موارد خاص قضاوت درستی صورت پذیرد؛ همچنین در اجرای عدالت با صبر و حلم باید رفتار را کنترل کرد تا مبادا بر مبنای هیجانات و احساسات از حد و حدود عدالت تجاوز کند.

جمع بندی

مفاهیم و شعارهایی که از اهمیت بالاتری بر خوردار هستند بیشتر در معرض تحریف و التقاط قرار می‌گیرند از جمله جهاد و عدالت. در ابتدای انقلاب اسلامی که عرصه جهاد بیشتر در محافل فرهنگی و فکری مورد بحث بود بیشتر نیز در خطر تحریف قرار داشت کمالینکه عده ای که دچار التقاط فکری شدند با برداشت غلط از مفهوم ارزشی جهاد دست به کارهایی زدند که موجب ریختن خون هزار مظلوم و بیگناه شد. همان اشتباه توسط برخی در دوران کنونی در مورد مفهوم والای عدالت ممکن است تکرار شود لذا رهبری معظم جوانان را توصیه به بهره مندی از محضر بزرگانی همچون آیت‌الله مصباح یزدی به عنوان استاد فکر می‌کنند.

از آن چه گذشت مشخص شد که در نظام اندیشه اسلام به بیان آیت‌الله مصباح یزدی مفهوم عدالت چگونه ترسیم می‌شود؟ رابطه آن با حق چیست؟ و در ادامه به بیان ملاک عدالت پرداخته و جایگاه عقل و وحی را در تبیین عدالت توضیح دادیم. در بخشی دیگر به بیان ویژگی های جامعه و نظام عادلانه پرداخته و شروط برقراری عدالت در جامعه را از کلام این عالم بزرگ بیان کردیم. به امید طلوع خورشید عظمای ولایت و تحقق حقیقی معنای عدالت.

غوص و فرو رفتن در اعماق است.»
۳. قضاوت بر مبنای علم و فهم

علامه مصباح در ادامه بیان شروط برقراری عدالت ضمن اشاره به عدم کفایت دو شرط گذشته می‌گوید: «فاما علم طیف بسیار گسترده‌ای از مسائل را در برمی‌گیرد و شامل قواعدی کلی است. بنابراین باید بتوانیم به کمک آن، حکم مسائل جزئی را مشخص کنیم. یعنی وقتی علم پیدا کردیم که رفتار مؤمنانه در اجتماع چیست، باید با استفاده از این علم ببینیم رفتار ما خوب است یا بد. برای این کار به نوعی قضاوت نیازمندیم. قضاوت در واقع تطبیق قواعد کلی بر مورد خاص است. اگر ما قواعد را درست درک کرده باشیم و فهم ما هم نافذ باشد می‌توانیم قضاوتی صحیح داشته باشیم که در تکامل خودمان و جامعه کاربرد داشته باشد. از این رو حضرت سومین شعبه عدل را زَهْرَةُ الْحُكْمِ، معرفی می‌کنند. «زهرة» به معنای زیبا و درخشان است. اگر ما از فهم نافذ و علم عمیق بهره‌مند باشیم می‌توانیم قضاوتی زیبا داشته باشیم، قضاوتی که وقتی عاقل آن را می‌بیند لذت می‌برد.»

۴. حلم و بردباری

آیت‌الله مصباح حلم و بردباری را به عنوان آخرین شرط برقراری عدالت برشمرده و بیان می‌کند: «مسأله دیگر این است که بعد از چنین قضاوتی ممکن است عکس‌العمل ما درباره آن احساسی باشد. مثلاً بعد از این‌که کسی جنایتی کرد و ما بر اساس حکم عادلانه و قضاوت صحیح فهمیدیم که می‌توانیم او را قصاص کنیم، ممکن است در مقام عمل، احساس بر ما غالب شود و از حد خودمان تجاوز کنیم. مثلاً اگر او یک سیلی زده، ما به او دو سیلی بزنیم. ما چنین حقی را نداریم. اگر نخواهیم گناه او را ببخشیم و مصلحت در عفو نباشد، قضاوت صحیح، قصاص است. اما وقتی می‌خواهیم قصاص را اعمال کنیم، باید با خونسردی و بردباری همراه باشد «رَسَاخَةُ الْحَلِمِ». اگر عصبانی و احساساتی شوم خودم هم ظالم و جانی می‌شوم و در این صورت، عدالت رعایت نمی‌شود. فرض ما این است که می‌خواهیم نظامی عادلانه برقرار شود و



نگاه آیت‌الله مصباح یزدی به مقوله پیشرفت بر مبنای اندیشه اسلامی صرفاً به معنای پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی و نظامی نیست بلکه پیشرفت انسانی و تکامل انسان به سمت قرب الهی مد نظر است